

## نقش عزاداری امام حسین (ع) در زندگی ما انسانها

□ حسن علی محمودی\*

### چکیده

عزاداری به معنای سوگ و ماتم و به معنای صبر و شکیبایی در برابر مصیبت، در بین ملل برای تجلیل و احترام و مقاصد عرفی و دینی به صورت مراسمی ویژه برگزار میشود. در اسلام تجلیل و عزاداری برای پیشوایان دین و رهبران دینی از جمله عزاداری سیدالشهدا (ع) از شعایر دینی است. به دلیل ثمرات و آثار و برکات عرفانی، و آشنایی به حقیقت دین، و برای بالابردن معرفت دینی، پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی که در جامعه دارد مورد توصیه پیامبر اسلام و ائمه معصومین (ع) قرار گرفته است. دوستداران و شیعیان آن حضرت هر سال به پاس بزرگداشت سالگرد نهضت حسینی عزاداری سیدالشهدا را برای تجدید پیمان به آرمان های آن حضرت برگزار می نمایند. براساس منابع تاریخی و اسلامی، تاریخچه عزاداری برای سیدالشهدا از حضرت آدم (ع) تا خاتم پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) وجود داشته و ائمه معصومین (ع) نیز بر آن حضرت عزاداری نموده اند و به پیروان شان نیز برای زنده نگهداشتن و نهادینه نمودن آن تأکید فراوانی نموده اند. در این مقاله ولو به صورت گذرا و مختصر با آن آشنا خواهید شد.

واژه های کلیدی: عزا، ماتم، نوحه، نائحه، آثار، برکات، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی.

---

\* فارغ التحصیل سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

## مقدمه

عزاداری برای امام حسین علیه السلام مورد سفارش و تأکید اولیای دین بوده است، براساس روایات اهل بیت علیهم السلام برای آن حضرت عزاداری می کردند. و دربرپایی عزاداری سالار شهیدان اصرار فراوان داشتند. به طوری کلی کمتر مسأله و باوردینی و مذهبی را می توان یافت که در روایات درباره ی آن مانند عزاداری امام حسین علیه السلام تأکید شده باشد. به همین دلیل شیعیان، و علاقمندان آن حضرت با تأسی از آن بزرگواران نیز در طول تاریخ از عزاداری و سوگواری برای امام حسین علیه السلام غافل نبوده اند. امروزه نیز در هر نقطه ای از جهان مسلمانان به خصوص شیعیان آگاهی به حادثه ی کربلا دارند، حداقل در دهه ی نخست محرم الحرام و به ویژه روزهای تاسوعا و عاشورا به خیلی از عزاداران حسینی می پیوندند و به اندازه ی توانشان ابراز ارادت می کنند.

تشکیل مجالس عزاداری و محافل سوگواری برای امام حسین علیه السلام از شیوه های معمول اقامه ی عزاست؛ علاقمندان و دوستداران به مکتب حسینی با پرپایی چنین مجالسی، از اهداف عالی و ارز شمند قیام امام حسین علیه السلام آگاه می شوند و این مجالس همواره وسیله ی مهمی برای بیداری و آگاهی توده های مردم بوده است؛ درحقیقت مجالس و محافل عزاداری امام حسین علیه السلام سبب تحول روحی، تربیت و تزکیه ی نفس است. در این مجالس نورانی مردمی که باگریه بر مظلومیت امام حسین علیه السلام آن حضرت را الگو و سرمشق قرار می دهند؛ درواقع زمینه ی تطبیق اعمال، رفتار و کردار خویش و هم رنگی و سنخیت خود را با سیره ی عملی آن حضرت فراهم می سازد.

## مفهوم شناسی

واژه عزاداری و سوگواری اصطلاحی شرعی نیست از این رو شناخت آن نیاز مند به تعریف شارع مقدس نیست. عزاداری واژه ای است آیینی که نشان دهنده رفتار و مراسم خاصی است که در مواقعی بخصوص توسط اقوام و ملل گوناگون انجام می شود. باوجود آن در روایات اسلامی و

منابع تاریخی الفاظی مانند: عزا، ماتم، نوحه یا نائحه، تسلی، رثا و مرثیه آمده است که بامروری درکتب لغت میتوان معنای عزاداری رایج بین ملل و اقوام را نتیجه گرفت.

۱- عزا؛ این واژه به معنای صبر و شکیبایی در ماتم و به معنای سوگ و مصیبت آمده است. (عمید، ۱۳(ع): ۱: واژه عزاء)

۲- عزی؛ «تعزیه الرجل» از باب تفعیل به معنای تسلی و توصیه به صبر «عزی بعضهم بعضا» یعنی توصیه به صبر می کنند و می گویند: «أحسن الله عزاءك»؛ خداوند به تو صبر و نیکی روزی فرماید. (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۰۴)

۳- تسلی؛ خرسندی یافتن، آرام گرفتن و شخص عزادار و مصیبت زده را تسلی دادن. (عمید، ۱۳(ع): ۱: واژه تسلی)

۴- ناحت یا نوحه؛ گریه و زاری و شیون بر مردن؛ «ناحت المرأة علی المیت نوحا من باب قال، ربما قیل التیاح فهی نائحه. (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۲(ص) ۰) التیاحه» بکت علیه بصیاح و عویل و جزع» (لویس معلوف، ۱(ص) ۳۱: ماده نیح) نیاحه، یعنی گریه با آواز، ناله و زاری و بیتابی. در لغت نامه دهخدا ذیل لغت نوحه آمده است «بیان مصیبت، گریه کردن با آواز، آواز ماتم، شیون و زاری، مویه گری، زاری بر مرده، شعری که در ماتم و سوگواری با صوت حزین و ناله و زاری خوانند، اعم از سوگواری برای کسی که تازه مرده یا برای امامان شیعه. (دهخدا، ۱۳۴۲: ماده نیاحه)

۵- ماتم؛ جمع: ماتم، اسم مصدر یا اسم زمان و مکان، به معنای اجتماع گروهی از مردان یا زنان برای اندوه و عزا و یا سرور و شادی. این لغت در عرف عامه برای اجتماع بانوان به هنگام عزا به کار رفته است، چنان که ابن منظور می نویسد: «المأتم فی الاصل: مجتمع الرجال والنساء فی الغم والفرح ثم خص به اجتماع النساء للموت... و هو عند العامة المصیبة یقولون: کفانی مأتم فلان. والصواب أن یقال کُنَّا فی مناحة فلان (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۶۲) ماتم عبارت است از اجتماع مردان و زنان در غم و شادی.

فیومی گفته است: «المأتم: مجتمع الناس عموما وقد غلب علی مجتمعهم فی حزن» (فیومی، ۱۴۱۴: ۳) یعنی هر نوع اجتماع مردم را ماتم می گویند ولی به مرور زمان بر اجتماعی به کار برده

شده که دارای حزن و اندوه می باشد. بنابراین ماتم به معنای عزاداری و مصیبت و عزا است و برگزار کردن آیین سوگواری، ماتم گرفتن و به ماتم نشستن می گویند در آداب اسلامی، اقامه عزا برای متوفی و رسیدگی به بازماندگان و تغذیه داغدیدگان آمده است. (محدثی، ۱۴۱(ع): ۳(ص) ۵) باز این چه شورش است که در خلق عالم است \*\*\* باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است. (محتشم کاشانی، ۱۳(ص) ۰: دیوان اشعار)

۶- رثا؛ به معنای گریستن بر مرده و بر شمردن نیکوییهای او و شعر گفتن درباره مرگ کسی با اظهار دلسوزی چنان- که لغویون به آن اشاره کرده اند: رثیت: المیت أرتیه، از باب رمی، مرثیه، ورثیت له: ترحمت و رقت له. رثا: رثوا المیت: بکاه و عدد محاسنه. نظم فیه شعرا. الرثایة: النواحة: المرثیة: ما یرثی به المیت من یشعر و سواه (محدثی، ۱۴۱(ع): ۲۱۸) یعنی مرثیه به معنای مهربانی و دلسوختن، گریستن بر مرده و بر شمردن نیکوییهای او همراه با شعر و غیر آن است.

مرثیه: مرده ستایی، عزاداری، شرح محامد و اوصاف مرده، چکامه-ای که در عزای از دست رفته ای سرایند، در عزای کسی شعر سرودن، گریستن بر مرده و بر شمردن ذکر محاسن وی، سوگواری، روضه، مراسم عزایی که به یاد شهیدان راه دین و بخصوص در ایام محرم و یاد واقعه کربلا بر پا کنند، اشعاری که در ذکر مصایب و شرح شهادت پیشوایان دین و بخصوص شهیدان کربلا سرایند و خوانند. (دهخدا، ۱۳۴۲، ماده رثا)

از جمله برنامه هایی که از سوی ائمه دین مورد تشویق قرار گرفته تا از این طریق خاطره رشادتها و مظلومیتهای شهدای کربلا و فرهنگ عاشورا زنده بماند، سرودن مدح و مرثیه است. قالب شعر، به لحاظ برخورداری از وزن و آهنگ و بعد عاطفی، مؤثرتر و ماندگارتر است از این رو به عنوان سلاحی مؤثر در دفاع از حق و اسلام به کار گرفته شده است. از واژه های مذکور دو واژه با عزاداری و برپایی مجالس عزا هم معناتر است؛ یکی ماتم و دیگری رثا و مرثیه. واژه های تسلی، تعزی، و نیاحه نیز هر کدام در بر گیرنده آثار و لوازم برگزاری مجالس عزا است زیرا عزاداری عبارت است از اجتماع گروهی از مردم که در آن سعی می شود با قرائت قرآن، خواندن مرثیه و سرودن شعر، بازماندگان را تسلی دهند و به صبر توصیه نمایند.

## پیشینه تاریخی

از روزی که بشر به دنیا آمد و سپس با پدیده مرگ و حوادث تلخ روبرو شد باین واژه ها آشنا گردید. انسان موجودی است که آنچه را با وجود و هستی خویش ناسازگار ببیند، ناپسند داشته و با آن مبارزه می کند و اگر نتوانست در مقابل آن دست به دفاع بزند با ابراز اندوه، گریه و ... به مقابله با آن و آرام سازی دل خود می پردازد.

در منابع تاریخی آمده است که آدم(ع) برفزندش هابیل که به دست برادرش قابل به قتل رسید گریه کرد. در منابع تاریخی آمده است: آدم(ع) از فراق نوردیده و بهترین پسرش، شب و روز، گریه می کرد و این حالت تا چهل شبانه روز ادامه یافت. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱، ۶۱۲)

در رابطه با عزاداری امام حسین(ع) شخص پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) برای حسین(ع) روضه خوانی کرده اند و مردم را به روضه خوانی تحریص و تشویق نموده اند، بلکه پیامبران پیشین، حتی حضرت آدم(ع) برای حسین(ع) روضه خوانی نموده است، بنابراین جریان روضه خوانی از قبل بوده و در اسلام به عنوان یکی از شعائر مذهبی و برنامه های سیاسی و تربیتی عنوان شده و ادامه یافته است، برای تایید این مطلب به چند نمونه از روایات زیر توجه کنید:

۱- در تفسیر آیه ۳(ع) بقره(فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ) روایت شده، حضرت آدم(ع) بر ساق عرش، نام پیامبر(ص) و امامان را دید، و جبرئیل به او تلقین کرد که هنگام توبه و مناجات بگو: یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن، یا قدیم الاحسان بحق الحسین و منک الاحسان.

هنگامی که جبرئیل نام حسین(ع) را برد، اشک از چشمان آدم(ع) روان شد و دلش شکست، از جبرئیل پرسید: عت چیست که با ذکر حسین(ع) اشکم سرازیر می گردد، جبرئیل جریان مصیبت امام حسین(ع) را برای آدم(ع) نقل کرد، آنگاه جبرئیل و آدم(ع) برای مصائب امام حسین(ع) و همراهانش، مانند زن فرزند مرده گریه کردند. (قمی، ۱۳(ع): ۲۳)

۲- امام علی (ع) می فرماید: «روزي به حضور رسول خدا(ص) رفتیم، پس از صرف غذا، آن حضرت وضو گرفت و رو به قبله نشست و به دعا و راز و نیاز پرداخت سپس در حالی که اشک بسیار از چشمانش سرازیر بود به زمین افتاد، حسین(ع) بردوش آن حضرت جهید و گریه کرد پیامبر(ص) به او فرمود: پدر و مادرم بفدایت چرا گریه می کنی؟». (حسین(ع) عرض کرد: ای پدر! امروز تو را به گونه ای محزون و گریان دیدم که هرگز تو را چنین ندیده بودم». (پیامبر(ص) فرمود: پسر! امروز از ملاقات شما بسیار شادمان شدم که هرگز چنین شاد نشده بودم، حبیبم جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که شما کشته می شوید، و محل قتل شما دور از همدیگر است، از این رو محزون شدم و دعا کردم و از خدا برای شما تقاضای خیر نمودم. (سهمودی، ۲۰۰۶، م، ۴۶۸)

۳- ابن عباس می گوید: در جریان جنگ صفین، هنگامی که امام علی(ع) در مسیر راه از کربلا عبور کرد، توقف نمود و فرمود: ای ابن عباس آیا این سرزمین را می شناسی؟ گفتم: نه، فرمود: اگر مثل من آن را می شناختی تا گریه نمی کردی از آن عبور نمی کردی. آنگاه آنچنان گریه کرد که اشکش بر سینه اش جاری شد، و چنین روضه می خواند و می -گفت: آه! آه! آل ابوسفیان را بامن چه کار؟ آل حرب را با من چه کار؟ ای ابا عبدالله شکبیا باش، که پدرت از این مردم همان ببیند که تو بینی... باز آنحضرت مطالبی فرمود و گریه کرد. (قمی، ۱۳(ع)۸: ۳۴)

۴- ابو عمّاره می گوید: هرگز در هیچ روزی نام حسین(ع) نزد امام صادق(ع) برده نشد که آن روز آن حضرت تا شب خنده کند، و می فرمود: الحسین عبره کل مؤمن. حسین(ع) سبب ریزش اشک هر مؤمن است. (قمی، ۱۳(ع)۸: ۱(ع))

۵- ماجرای مرثیه خوانی ابوهارون مکفوف برای امام حسین(ع) در حضور امام صادق(ع) و بستگانش، و گریه شدید امام صادق(ع). (قمی، ۱۳(ع)۸: ۱۵) و همچنین ماجرای مرثیه خوانی «دعبل خزاعی» در روز عاشورا در مجلس عزای امام حسین(ع) که حضرت رضا(ع) آن را تشکیل داده بود و گریه حضرت رضا(ع) و حاضران (شیخ صدوق، ۱۳(ع)۸: ۲، ۲۶۳-

۲۶۶) و... همه حاکیست که مسأله روضه خوانی و گریه بر شهیدای کربلا در همان قرن اول و دوم هجرت رواج کامل داشته و در همان آغاز جزء برنامه های مهم مذهبی بوده است. اما در مورد کتاب «روضه الشهداء» این کتاب را کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی نوشته، وی در نیمه اول قرن نهم در سبزوار به دنیا آمد و بسال(ص) ۱۰ هـ ق در هرات درگذشت، و به قول صاحب روضات الجنات، نظر به اینکه این کتاب نخستین کتابی است که در مورد مقاتل به فارسی نوشته شده، و واعظ و ذاکرین بر بالای منابر آن را می خواندند و نام آن، «روضه باغ» بود، از ذکر مصیبت به نام روضه خوانی تعبیر شد. (کاشفی، ۱۳۸۲: ۸) بنابراین اصل ذکر مصیبت و مرثیه خوانی از قبل بوده، ولی تغییر نام آن به «روضه» پس از تألیف این کتاب بوده است.

روضه خوانی امام حسین(ع) و بازماندگان کربلا و این مطلب را نیز نباید از نظر دور داشت که: خود امام حسین(ع) برای خود روضه خوانده است، و امام سجاد(ع) و حضرت زینب و سایر بستگان نزدیک، روضه خوانی نموده اند به عنوان نمونه:

امام حسین(ع) در روز عاشورا کنار هر شهیدی می آمد، از وصف او می گفت و گریه می کرد، و در روز یازدهم محرم هنگام وداع بازماندگان با اجساد مطهر شهداء، امام حسین(ع) اشعاری به سکینه آموخت که در مدینه برای شیعیان بخواند. در این اشعار امام می فرماید که برای من ندبه کنید، و ذکر مصیبت علی اصغر(ع) به میان آمده است. (مقرم، ۱۴۲۶: ۳۸۰) حضرت زینب(ع) مکرر روضه خوانی کرد، از جمله در کوفه هنگامی که سر بریده برادرش حسین(ع) را دید، با اشعاری، مرثیه سرایی نمود، از جمله گفت:

ای برادرم و ای آرام قلبم هیچگاه گمان نمی بردم که این گونه مقدر شده باشد که سر بریده ات در برابر من قرار گیرد. (قرنی، ۱۳(ص) ۴: ۳۶(ع))

امام سجاد(ع) نیز بارها روضه خواند، و حتی سالها بعد از واقعه کربلا، آن حضرت از وصف کربلا می گفت و گریه می کرد و دیگران را می گریانید. امام صادق(ع) فرمود: امام سجاد(ع) چهل سال بر پدرش گریست، و در این مدت روزها را روزه داشت و شبها را به عبادت به سر می برد، هنگام افطار وقتی غذا نزدش می آوردند و می گفتند بفرمائید میل کنید، اشک می ریخت و

می فرمود: قتل ابن رسول الله جانعاً، قتل ابن رسول الله عطشاناً. «حسین فرزند رسول خدا(ص) گرسنه و تشنه کشته شد.» و این مطلب را تکرار می کرد و گریه می نمود به طوری که غذا و نوشیدنیهایش با قطرات اشک او می آمیخت، او همواره این گونه می زیست تا به لقاء الله پیوست. (سید ابن طاوس، ۱۳۴۸: ۲۰ (ص))

آن حضرت وقتی که قصابی را می دید گوسفندی را ذبح می کند، بیاد امام حسین(ع) می افتاد و می فرمود: آب به گوسفند بدهد، پدرم را با لب تشنه سر بریدند، و در پاسخ یکی از خادمان که از روی دلسوزی به او گفت: گریه نکنید که به خطر میافتید، فرمود: حضرت یعقوب، پیغمبر بود، از دوازده فرزندش، یکی از آنها(یوسف) غایب گردید، با اینکه می دانست او زنده است، آنقدر از فراق او گریست که چشمانش سفید شد ولی من

اجساد پاره پاره پدر، برادران و عموها و دوستانم را دیدم، چگونه غم و اندوه من پایان یابد؟ من هر وقت به یاد آنها می-افتم، بی اختیار قطرات اشک از چشمانم سرازیر می شود. (مقرم، ۱۴۲۶: ۴(ع)(ع))

امام زمان حضرت مهدی(ع) در ضمن درودهایی که بر امام حسین(ع) می فرستد: از جمله می-فرماید: السلام علی جیوب المضرّجات (سلام بر آن گریبانهایی که در سوگ امام حسین(ع) پاره پاره شد. (ملبوی، ۱۳ (ص) ۸: ۳، ۳۰(ع)) این تعبیر نیز بیانگر اوج قداست و ارزش سوگواری برای مصائب امام حسین(ع) است.

## تنوع عزاداری

امروزه عزاداری بین مسلمانان به ویژه بین شیعیان به جلسات دسته جمعی محافلی برای سالگرد و یا به خاطر یاد بود و زنده نمودن خاطره های موتی برگزار میشود، که در آن مجالس به بیان احکام شرعی، موضوعات اخلاقی، و بیان معارف اسلامی به صورت خطابه و روضه خوانی پرداخته میشود. و از طرفی اظهار ارادت به عزیز از دسته رفته و تسلی خاطر بازماندگان از اهداف مورد توجه این مجالس و محافل قرار میگیرد. به همین جهت بازمانده گان به صبر و بردباری و تسلیم شدن به قضای الهی و بی وفایی و گذر از این دنیا دعوت میشود.



گاهی این مراسم برای احیای شعایر الهی و برای یاد و خاطره رهبران دینی و خاطره زندگی پیامبر بزرگ اسلام(ص) به عنوان سفیر وحی و خاطرات و رشادت های مسلمانان صدر اسلام و برای زنده نگهداشتن یاد و خاطرات امامان معصوم(ع) صورت میگیرد.

در این میان مراسم سوگواری امام حسین(ع) برای یاد و زنده نگهداشتن حادثه بی بدیل تاریخ جهاد و شهادت برای دفاع از اسلام برگزار می شود. براساس فرهنگ علاقه مندان به آن حضرت به صورت های مجالس روضه خوانی، وعظ و خطابه، راهپیمایی، سینه زنی و اطعام دادن به عنوان نذورات و خیرات ظهور و بروز پیدا میکند که آثار فراوان و ثمرات بسیاری را به همراه دارد.

## آثار و برکات عزاداری

عزاداری برای امام حسین علیه السلام نه تنها اساس مکتب را حفظ می کند بلکه سبب می گردد که شیعیان با حضور در مجالس عزاء، از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شوند و در جهت حسینی شدن رشد یابند.

کدام اجتماعی در عالم [دیده شده که] چنین اثری را از خود بروز داده باشد؟ کدام حادثه ای است مانند حادثه جانسوز کربلا که از دوره وقوع تا امروز و بعدها بدین سان اثر خود را در جامعه بشریت گزارده باشد و روز بروز دامنه آن وسیعتر و پیرویی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ (رجالی تهرانی، ۱۳۸(ع): (ص)، ۱۱۵)

بدون تردید بر عزاداری ابا عبدالله الحسین(ع) آثار و فواید فراوانی مترتب است. از باب نمونه به برخی اشاره می شود:

### ۱- آثار معنوی و عرفانی

بدیهی است که هدف اصلی و اساسی در اجرای مراسم مذهبی، قرب به خدا و امید به اجر الهی است، بر این اساس مراسم عزاداری و گریه بر مظلومیت سرور و سالار شهیدان، پیش از هر چیز دیگر تقرب به خدا، و ثواب آن مطرح است چون طبق اعتقاد مذهبی، که در روایات آمده گریه و

عزاداری برای امام حسین (ع) یکی از بهترین اعمال صالح، و دارای پاداش بزرگ است. چنانکه امام رضا (ع) فرمود:

«مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا اِزْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ اَبَكَى لَمْ تَبَكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ اَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» ؛ هرکسی یاد مصیبت ما کند و بگرید به آنچه در حق ما کردند روزی قیامت با ما و در درجه ما است. هرکسی یاد مصیبت ما کند و بگریاند دیده او گریان نشود روزیکه همه دیده ها گریان است. هرکسی بنشیند در مجلسی که امر ما، در آن زنده می-شود دلش نمیرد روزی که دل-ها بمیرد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۲(ع) ۸)

بعضی از بزرگان چنین گفته اند: ذکر مناقب و فضایل آل طه و یاسین و تألم و اندوه در مصایب آنان از یک سوم موجب تقرب به خداست. زیرا ارتباط عقلی و عاطفی با آن ذوات نوری مایه بهره وری از معارف قرآن و استفاده از سنت معصومین (ع) می-گردد و سبب تحکیم پیوند با خلیفه خدای-شود عزاداری سید شهدا و سالار مظلومان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) که با اعتراف دوست و دشمن هر ساله بر شکوه و عظمت آن افزوده می شود نمونه برجسته این ماجرا است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱، ۲۱)

یکی از لطایف معنوی در این باره تشابه عزاداری و روزه داری است، یعنی همانگونه که پیامبر اسلام (ص) درباره روزه داران ماه مبارک رمضان فرمود: « اَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ... أَنْفَا سَكُّمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ نُؤْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ» ؛ ای مردم ماه خدایه شمار آورده است «پس بدانید» که نفس کشیدن شما در این ماه تسبیح و خواب شما در آن عبادت است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳، ۳۵۶)

امام صادق (ع) نیز درباره عزاداری حسینی فرمود: « نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمًا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِمَاءِ الدَّهَبِ» ؛ نفس کشیدن شخص اندوهگین بخاطر ستمی که بر ما فرشته بمنزله تسبیح است و اندوه او بخاطر ماعبادت است و حفظ اسرار ما جهاد در راه خدا است. بعد فرمود: واجب است این حدیث با آب طلا نوشته شود. (همان، ۲، ۶۴)

در این حدیث نورانی در باره آثار عزاداری همان حقیقتی گفته شده که درباره اثر روزه ماه مبارک رمضان مطرح است. یعنی اگر نفس کشیدن شخص روزه دار تسبیح و خواب آن عبادت محسوب می شود. نفس کشیدن عزاداران نیز تسبیح و اندوه آنان عبادت شمرده می شود. این جریان حکایت از تأثیر عمیق معنوی عزاداری برای امام حسین(ع) به روح و جان آدمی دارد. زیباترین که هرگاه این دو حدیث نورانی در کنار هم قرار گیرند این نکته بروشنی بدست می آید؛ که تأثیر و برکت معنوی عزاداری برای اهلیت پیامبر(ص) و به خصوص سالار شهیدان حسین بن علی(ع) درست شبه آثار و برکات ماه مبارک رمضان است. چه اینکه انسان اگر باروزه گرفتن از خوردن و نوشیدن و سایر امور حیوانی خودداری می کند در واقع از این رهگذر نوعی شباهت به فرشتگان می یابد. همچنین از طریق برپایی عزاداری امام حسین(ع) نیز شباهتی به فرشتگان پیدامی کند که مأمورند همواره و تار و زیامت برای امام حسین(ع) عزاداری کنند و در سوگ جان گاه آن حضرت مشغول ناله و عزاداری باشند. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۵)

برخی دیگر از روایات در خصوص گریه بر امام حسین(ع) عبارت است از:

۱. در روایتی می خوانیم: «هر چشمی در روز قیامت به جهت سختی ها، گریان است مگر چشمی که بر امام حسین(ع) گریسته باشد، این چشم بخاطر نعمت های بهشتی خندان و بشاش است». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۲ (ص) ۲، - شوشتری، ۱۳۶ (ص): ۱۴۰)
۲. امام رضا(ع) می فرماید: «گریه بر امام حسین(ع) گناهان بزرگ را فرومی ریزد». (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۴، ۱۲۸- عطاری، ۱۴۰۶: ۲، ۲ (ع))
۳. امام صادق(ع) می فرماید: «کسی که به یاد امام حسین(ع) به مقدار بال مگسی، اشک از چشمانش جاری شود ثوابش بر خداوند است و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۲ (ص) ۱)
۴. امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه های بهشتی جای می دهد». (شیخ صدوق، ۱۳۶۴: ۸۳- شوشتری، ۱۳۶ (ص): ۱۴۲)

۵. امام رضا (ع) می‌فرماید: «پسر شیبب اگر می‌خواهی برای چیزی گریه کنی، پس برای حسین بن علی (ع) گریه کن که او را ذبح کردند چنان که گوسفند را ذبح می‌کنند پسر شیبب اگر برای حسین چنان گریه کنی که اشک‌هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند همه گناهان کوچک و بزرگ تو را می‌آمرزد، اندک باشد یا بسیار». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۲۸۵)

بنابراین ترتیب آثار معنوی روحی، و عرفانی بسیار متعدد و دل‌انگیزی برای عزاداری سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) در زندگی انسان وجود دارد. و آنچه باز گوشه‌تنه نمونه‌ی ازان حقایق است.

## ۲- آشنایی به حقیقت دین

یکی دیگر از آثار و برکات عزاداری برای امام حسین (ع) این است که مردم در سایه مراسم عزاداری به حقیقت اسلام آشنایی پیدامی‌کنند و بر اثربلیغات وسیع و گسترده‌ای که همراه باین مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی توده‌ای مردم بیشتری شود، و ارتباط شان باین حنیف محکم ترقوی ترمی گردد. چه اینکه قرآن و عترت دو وزنه‌ی نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و این آگاهی در اقامه ماتم و مراسم عزاداری و سوگواری عترت رسول اکرم و به خصوص امام حسین (ع) به مردم داده خواهد شد. (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۱۵) چراکه! عزاداری امام حسین (ع) ریشه در سنت پیامبر اکرم و قرآن کریم دارد؛ و برگزاری عزاداری بر اساس عمل به سنت پیامبر اکرم (ص) است، لذا در روایات اهل بیت (ع) براقامه عزاداری برای سرور و سالار شهیدان سفارش فراوان شده است؛ که از آن میان تنه‌به یادآوری روایتی از امام باقر (ع) بسنده می‌کنیم. آن حضرت فرمود:

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ بَرَزَ إِلَى الصَّحْرَاءِ ... ثُمَّ لَيْتُنْبِ الْحُسَيْنِ عَ وَبَيْكِهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يَقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِطْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَقُونَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ (ع)»؛ در روز عاشورا به صحرا بروید، و برای حسین (ع) ندبه و عزاداری و گریه کنید و به اهل خود دستور دهید که براو بگریند و در خانه خود با اظهار گریه و ناله بر حسین (ع) مراسم عزاداری

برپاکنید؛ وهمدیگر را با گریه تعزیت و تسلیت بگوئید و در منازل خود در مصیبت امام حسین(ع) سوگواری کنید. (قمی، ابن قولویه، ۱۳(ع): ۵؛ ۱(ص) ۳- مجلسی، ۱۴۰۴: (ص) ۸، ۲(ص) ۰)

### ۳- آثار اعتقادی و کلامی

اگر فرازونشیب روزگار شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) به طور جامع و همه جانبه بررسی شود معلوم خواهد شد که یکی از عوامل عمده ای که موجب حفظ مکتب اهل بیت گردیده و عقاید شیعه را از گزند حوادث مصون داشته، مجالس عزاداری سالار شهیدان امام حسین(ع) بوده است. و گرنه درب عضی از مناطق جهان بر اثر فشارهای سیاسی و تعصبات عده ای نااهل از یک سو و عدم آگاهی و نشر و تبلیغ مسایل مذهبی از سوی دیگر، بسیاری از پیروان اهل بیت(ع) دچار مشکلات اعتقادی جبران ناپذیر می شد. اما در پرتو مجالس عزاداری، بنام اهل بیت(ع) همواره زنده و معارف شیعه پویا و بالنده باقی مانده است. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶(ع)) چنانکه یکی از بزرگان در این باره می گوید:

«دسته های عزاداری که هر ساله با فریاد یا حسین خود، شهرها و روستاها را به جنب و جوش درمی آورد و با اشک چشمان خود خاطره جان سوز کربلا را تجدید می-کنند، آب سردی بر پندارها-ی باطل کسانی می ریزند که با ترهات خود قصد خاموش کردن خورشید عالم افروز نهضت حسینی را دارند این خروش خود جوش به هر کند ذهن و دیر باور می فهماند که خون حسین هدر نرفته؛ بلکه به اراده پروردگار عالم همه ی قطرات آن به پیکر عالم اسلام تزریق شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲)

هم چنین مصلح بزرگ و عارف حماسه آفرین، حضرت امام خمینی(ره) درباره آثار و نقش عزاداری در حفظ عقاید مذهبی گفته اند: «روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است، آن کسانی که می گویند روضه نخوانید اصلاً نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده، این روضه های حفظ مکتب را، هر مکتب تا پایش سینه زن نباشد و پایش گریه کن نباشد حفظ نمی شود، این گریه ها زنده نگاه داشته مکتب سیدالشهدا را». (خمینی، ۱۳(ع): ۰، ۸، ۶(ص)) بر این اساس است که مسأله عزاداری و سوگواری سالار شهیدان امام حسین(ع) به عنوان یک آموزه مذهبی

درآمده و جزء شعایر الهی محسوب می شود که قرآن کریم درباره آن فرموده: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)

علامه شعرانی در تبیین این مسئله که: عزاداری امام حسین (ع) جزء شعایر مذهبی است و اقامه آن در حفظ مذهب نقش اذان را دارد، می گوید:

«گریه نشانه محبت است، و محبت ناشی از ایمان و معرفت اصل و اعمال دیگر فرع آن و عمل بی ایمان و محبت چون پیکری روح است، عزاداری از شعایر امامت است مانند اذان که همه طوایف اسلام آن را از شعایر دینی و نبوت می دانند. (شیخ عباس قمی، ۱۳(ع) ۸: ۵(ص))

بنابراین یکی از آثار و فواید عزاداری برای امام حسین (ع) که از مهمترین اثر آن است، حفظ مکتب اهل بیت (ع) و عقاید پیروان آن بزرگواران است. پس در واقع عزاداری برای سالار شهیدان تأثیر عمیقی در زندگی دنیا و آخرت انسان دارد. گرچه در ظاهر آن احساس نکنیم.

#### ۴- آثار تربیتی و اخلاقی

یکی از فرازهای زیبایی نهضت حسینی آن است که اخلاق اسلامی در تمام مراحل آن به عالی ترین صورت درخشیده است. لذا یکی از بزرگان پس از تحلیل جنبه مختلف قیام حسینی در این باره چنین گفته است:

«می آیم سراغ آنچه که آن را اخلاق می گویند- اخلاق اسلامی - وقتی از این دید به حادثه کربلا می نگریم می بینیم یک صحنه نمایش اخلاق اسلامی است.» (مطهری، ۱۳۸۲: ۱(ع)، ۳۸۶)

بی تردید وقتی عاشقان و محبان سالار شهیدان بر اساس علاقه و محبت به آن حضرت با تمام مشکلات و گرفتاری های فردی، اجتماعی، اقتصادی، و حتی سیاسی در بعضی کشورها، که شیعیان اهل بیت (ع) تحت فشار شدید بوده و چه بسا زیرزمین ها و جاهای مخفی عزاداری کرده و هم اکنون نیز در بعضی از مناطق جهان مشکلات سیاسی فراوان برای عزاداری امام حسین (ع) وجود دارد، در عین حال مردم در مجلس سوگواری آن حضرت حضور پیدامی کنند، و در واقع از مجلس عزاداری سالار شهیدان یک کلاس درس اخلاق عملی می توان ساخت که

در پرتو آن افراد بسیاری اصلاح و هدایت خواهند شد، به خصوص اینکه عملاً دیده می شود که جاذبه معنوی و عاطفی مجلس سوگواری حسینی، افراد زیادی را به مجلس و عظمت و نصیحت می کشاند. در حالیکه در غیر این صورت با هیچ انگیزه‌ی دیگری نمی توان آنها را در چنین مجمعی حاضر نمود. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

بنابراین معلوم می شود یکی از آثار و فواید عزاداری برای امام حسین(ع) جنبه تربیتی و اخلاقی است.

بسیار اند افرادی که به برکت آن مجالس هدایت شده و می‌شوند. برخی از دانشمندان معاصر گفته اند:

«اگر جهان تشیع آمار می گرفت که از این جلسات چه انسان های با انقلاب روحی به راه افتاده اند و حرکت کرده اند، آن وقت می‌فهمیدید که این حسین شمایعنی چه؟ متأسفانه آمار گیری نشده است. البتة عده‌ی را مادیده ایم من خودم عده‌ی را سراغ دارم که واقعا منقلب شدند و به کلی فساد و کثافت و ... را کنار گذاشته و راه افتادند و بایک انقلاب روحی رفتند. (سیف الالهی، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

چنان که روشن است، گریه ارزشی در فرهنگ شیعی:

اولاً، گریه‌ای است که موجب تعالی و رشد روح است. ثانیاً؛ سرچشمه آن معرفت است. گریه بر امام حسین(ع)، یا به جهت یاد کردن غم و اندوه از دست دادن عاشق حقیقی خداوند متعال است که تجلی‌گاه اوصاف الهی بود و مؤمنان، بوی گل را از گلاب او استشمام می‌کردند.

چون که گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از که بوییم، از گلاب

یا به دلیل عقب ماندگی روحی و نداشته های خود، در مقابل مناقب و فضایل آن بزرگوار و یاران با وفایش است.

در واقع گریه بر این است که حبیب بن مظاهر که بود و چه داشت و من کی‌م و چه در کف دارم؟ اشک ریختن بر علی اکبر، ناله بر خود است که آن جوان رشید چه فضیلتی را دارا بود و من تا چه اندازه آن خصلت‌ها را دارم؟ و اگر گریه ما از این منشأ دور است، باید بکوشیم اشک و آه خود را به این سمت سوق دهیم تا بر اثر آن، روحمان تعالی یابد. در حقیقت این گریه، نشان دادن دردی

است که انسان را به حرکت و جوشش وامی دارد تا خود را به آن درجه از کمالات برساند و این چنین اشکی انسان‌ساز است. لذا باید توجه داشت که این جلسات - جلسات عزاداری و سوگواری حسینی - جلسه های انقلاب روحی است. (جعفری، ۱۳۸ (ع): ۲۸۸)

## ۵- آثار سیاسی و اجتماعی

هدف از آثار سیاسی عزاداری سالار شهیدان همان سیاست حسینی و اسلامی چیزی است که در زیارت جامعه کبیره به عنوان یکی از اوصاف برجسته ائمه علیهم السلام یاد شده آمده است (السلام علیکم و سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَزْكَانَ الْبِلَادِ) (شیخ صدوق، ۱۳۶ (ع): ۳، ۵۴۳)

باین وصف یکی از آثار عزاداری سالار شهیدان پیام سیاسی آن است، چون برپایی عزاداری برای امام حسین (ع) و یارانش که شهیدان راه عدالت، آزادی و ظلم ستیزی بودند، در حقیقت اعتراض به تمام حکام جور و حمایت از مظلومان عالم در همه اعصار است. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱ (ع): ۰)

چنانکه در سخنان یکی از بزرگان آمده است:

«در شرایط خشن یزیدی، شرکت کردن در حزب حسینی و گریه کردن بر شهدا، نوعی اعلام وابستگی به گروه اهل حق، و اعلان جنگ با گروه باطل است؛ این جاست که عزاداری حسین بن علی یک حرکت و یک مبارزه اجتماعی بر علیه ظلم و باطل است. (مطهری، ۱۳۸ (ص): ۸۰)

در همین راستا پیام سیاسی عزاداری حسینی است که امام خمینی (ره) پی ریزی مقاومت، پیروزی و انقلاب اسلامی ایران را تاسی از سالار شهیدان دانسته و انقلاب اسلامی ایران را وام دار نهضت خونین کربلا و عزاداری اباعبدالله (ع) می داند. (خمینی، ۱۳ (ع): ۰، ۸، ۶ (ص))

اگر حوادث بعد از روز عاشورا، مورد مطالعه و تحلیل جامع قرار گیرد، معلوم خواهد شد که اولین کسانی که عزاداری امام حسین (ع) را به صورت یک جریان طوفنده و طاغوت برانداز در آورد، امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) بودند. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱ (ع): ۰) در این باره یکی از نویسندگان مصری چنین گفته اند:

«آنان که در راه دعوت به مراد خود شهید می شوند گرچه حیات خود و دوستان شان را باخته و در ظاهر زیان می بینند لیکن امواج دعوت خود را پس از خود در سراسر جهان پراکنده و گسترده



اند، چنانکه پس از وی دولت عباسی و فاطمیین را پدید آورد و سلاطین ایوبی و عثمانی بدان نام جنگیدند». (عقاد عباس، بیتا، ۲۲(ص))

اگر گریه بر ابا عبدالله(ع)، از سر معرفت باشد قطعاً این حزن و اندوه، پس از آن که موجب تحوّل درونی انسان گردید، زمینه را برای تحولات اجتماعی فراهم می‌سازد. وقتی گریه بر امام حسین(ع)، گریه‌ای در جهت تعالی روح شد و موجب گردید که آدمی در فضایل اخلاقی و فردی خود، تأمل و تجدیدنظر کند قطعاً این تحوّل درونی، زمینه را برای ساختن اجتماعی در راستای اهداف متعالی اسلام فراهم خواهد ساخت.

زمانی که انسان متوجه شد که حضرت ابا عبدالله(ع) برای چه، چرا و چگونه دست به قیام زد و آن اثر جاودانه را بر قلم خون، بر صفحه تاریخ نگاشت و با این معرفت بر اثر گریه درونش متحول گردید این تغییر بر عرصه جامعه نیز کشیده می‌شود و او می‌کوشد تا جلوی فساد و انحراف دین را گرفته و آزادی، جوانمردی و دینداری را نه تنها در روح خود، بلکه در جامعه نیز حکم فرما سازد.

به بیان دیگر، در واقع گریه بر ابا عبدالله(ع)، با يك واسطه زمینه را برای حفظ آرمان‌های آن حضرت و پیاده کردن آن فراهم می‌سازد و به همین دلیل می‌توان گفت: یکی از حکمت‌های گریه بر امام حسین(ع)، ساختن جامعه بر اساس الگوی ارائه شده از سوی او است و شاید مراد از این که گفته می‌شود: «ان الاسلام بدوّه محمدی و بقائه حسینی» همین باشد که بقای مکتب اسلام - خصوصاً تشیع - وام‌دار گریه بر امام حسین(ع) است.

مسأله گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهدا(ع) آثار و برکات اجتماعی فراوان دارد از جمله آثار و برکات زیررانی توان شمرد:

۱- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین، به منظور توجه و پیروی عملی از آنان.

۲- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی،

۳- پالایش روح و تزکیه نفس،

۴- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و ظلم ستیزی .

۵- الهام بخش روح انقلابی و ستم ستیزی در جامعه .

۶- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی.

(ع) - توجه به هدف قیام امام حسین که همانا احیای ارزش‌های دینی و جلوگیری از انحراف بود. باین بیان، این نکته به خوبی معلوم می‌شود که نهضت حسینی درحدوث و بقا موجب حفظ اسلام و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی فراوان است. که ذکر و تفصیل آن دراین پاسخنانه که بنا بر اختصار است نمی‌گنجد.

### ۶- دفع بلاها، و برآورده شدن حاجات

از دیگر آثار و برکات عزاداری امام حسین (ع) نورانیت دل‌های عزاداران و برآورده شدن حاجات و دفع بلاها و مصیبت‌ها است، همان‌طور که با دعا بلا و مصیبت دفع می‌شود، با عزاداری امام حسین (ع) نیز بلاهای بسیاری دفع می‌شود، که مردم از نزول آنها آگاهی ندارند؛ هم چنان که از دفع بلا به وسیله دعانیز باخبر نیستند. (مصباح یزدی، ۱۳۸ (ع): ۴۵)

بنابراین در واقع عزاداری برسیدالشهداء (ع) خود یک نوع حل‌گره از مشکل جامعه محسوب می‌شود.

باتوجه به آثار و برکات عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) پاسخ بخش دوم سوال روشن می‌شود. و آن اینکه: زیانبارترین اثر منفی عزاداری نکردن برای آن حضرت محروم شدن از آثار و برکاتی است که به آن اشاره شد. علاوه بر آن انسجام و همبستگی و وحدت اجتماعی که در سایه عزاداری اهل بیت (ع) به خصوص سالار شهیدان برقرار است، روز بروز در جامعه بشریت به دست فراموشی سپرده خواهد شد. گرچه عزاداری برای آن حضرت در عالم وجود تعطیل ناپذیر و فراموش نشدنی است؛ چراکه در بین موجودات عالم، موجوداتی هستند که عزاداری آن حضرت را برپا می‌دارند. به همین جهت در روایات متعدد از عزاداری ملائکه -ها برای سیدالشهداء (ع) سخن گفته شده است. از جمله امام صادق (ع) می‌فرماید:

« إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقْبَرِ الْحُسَيْنِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٍ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ وَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ وَصَعِدَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ فَلَمْ يَزَلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ ». (مجلسی، بحارالانوار ج ۴۵، ص ۲۲۳) خداوند چهار هزار فرشته را بر قبر حسین (ع) موکل قرار داده که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و از طلوع صبح تا زوال

افتاب (وقت ظهر) بر آن حضرت [عزاداری کرده] اومی گریند، وقتی که ظهر می شود چهارهزار فرشته دیگر به زمین فرود آمده پیوسته می گریند تاصبح طلوع کند.

در حدیث دیگری از آن حضرت بدین مضمون بدون کلمه قبر آمده است. چنانکه فرمود:  
« وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَزْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْتًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ »؛ خداوند متعال چهارهزار فرشته را موکل نموده که همگی ژولیده و گرفته بوده تا روز قیامت. (حرعاملی، ۱۴۰ (ص: ۱۴، ۴۴۸).

### نتیجه گیری

بنابه آنچه که اشاره شد، عزاداری امام حسین(ع) آثار و برکات فراوانی در زندگی دینی و دنیایی مردم دارد. که آثار تربیتی، اخلاقی، معنوی، عرفانی، ودینی، وهم چنین ظلم ستیزی نمونه های آن است. علاوه بر آن گردهمایی های اجتماعی، همبستگی، رسیدگی به نیازمندان و مظلومین، و کسب معرفت دینی و آشناسدن به مسایل مذهبی، از دیگر آثار آن است.

بدون شک عزاداری امام حسین(ع) در ابعاد مختلف خود تأثیرات عمیقی بر اندیشه ی احاد مردم داشته است، از این روانسان های وارسته؛ همگام با منطق حسینی از همین مجالس بیرون آمده اند. و این مجالس همواره پرورش دهنده انسان های حق طلب و عدالت گستر و شجاع بوده و است.

بنابراین درسایه تشکیل عزاداری که نوعی همدردی وهم نوعی وجود دارد، عزاداران حسینی به بسیاری از مسایل اجتماعی همدیگر اطلاع پیدا کرده و بر اساس مهر و محبت دینی و برادری در جهت رفع آنها بر می آیند. در نتیجه این مجالس به انسان درس عزت، آزادگی، ایثار، فداکاری، و درس تقوی و اخلاق می آموزد. و در طول تاریخ جلسات عزاداری امام حسین(ع) به مثابه کلاس های درس برای توده های مردم بوده است و آنان را با معارف و حقایق دینی، آشنامی کرده است، بی تردید این جلسات یکی از مؤثرترین پایگاه های خودسازی و تهذیب نفوس و تربیت اخلاق است.

اماً اثر منفی عزاداری نکردن عدم رسیدگی به همدیگر، محروم ماندن از برکات معارف دینی که در این جلسات بیان میگردد، ضرری جبران ناپذیری است که چیزی دیگری جایگزین آن نمی شود و نخواهد شد.

## کتابنامه

- ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، سوم، ۱۴۱۴ق.
- جعفری، محمدتقی، امام حسین شهیدفرهنگ پیشروانسانیت، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، دهم، ۱۳۸۸(ع)ش.
- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، قم، تحقیق و تنظیم محمدصفایی، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
- حرعاملی، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البیت (ع)، اول، ۱۴۰۰(ص)ق.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۰(ع)ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ماده نیاحه، نائحه، ایران، ۱۳۴۲ش.
- رجالی تهرانی، علی رضا، آثار و برکات سیدالشهدا در دنیا و آخرت، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۸۸(ع)ش.
- سهمودی، نورالدین، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۲۰۰۶م.
- سیدابن طاوس، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، نشرجهان، اول، ۱۳۴۸ش.
- سیف الاهی، محمدحسین، رسول ترک، آزادشده امام حسین، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، یازدهم، ۱۳۸۶ش.
- شوشتری، شیخ جعفر، الخصائص الحسینیّه، ۱۳۶(ص)ق.
- شیخ صدوق، ابن بابویه، امالی، انتشارات کتابخانه اسلامی، چهارم، ۱۳۶۲ش.
- شیخ صدوق، محمدبن علی بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ترجمه صدر بلاغی، انتشارات صدوق، اول، ۱۳۶(ع)ش.
- شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، تهران، نشرجهان، اول، ۱۳(ع)۸ق.
- صادقی، محمدامین، جلوه های عرفانی نهضت حسینی، قم، بستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳(ع)۵ش.
- عطاری، عزیزالله، مسند امام رضا (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۰۶ق.

- عقادعباس محمود، ابوشهدا، انتشارات سعد، مصر، [بیتا]
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، واژه عزا، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳(ع)۱ ش.
- فیومی، مصباح المنیر، قم، دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرنی گلپایگانی، علی، منهاج الدموع، سلسله الذهب-نورالکتاب، اول، ۱۳(ص) ۴ق.
- قمی، شیخ عباس، دمع السجود/ ترجمه نفس المهموم، مترجم: میرزاابوالحسن شعرانی، ذوی القربی، اول، ۱۳(ع)۸ ش.
- قمی، جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، قم، انتشارات صدوق، اول، تهران، ۱۳(ع)۵ ش.
- کاشفی، ملاحسین، روضه الشهداء، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش.
- لويس معلوف، المنجد، ماده «نیج»، بیروت، الکاتولیکیه للآباء الیسوعیین، هفتم، ۱(ص) ۳۱ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان- بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- محتشم کاشانی، دیوان اشعار، ۱۳(ص) ۰ ش.
- محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، دوم، ۱۴۱(ع)ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، آذرخش کربلا، تدوین و نگارش: غلام حسن محرمی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ششم، ۱۳۸(ع) ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱(ع)، قم، انتشارات صدرا، ششم، ۱۳۸۲ ش.
- مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، قم، نشر صدرا، بیست و ششم، ۱۳۸(ص) ش.
- مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین مقرم، بیروت، مؤسسة الخرسان للطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- ملبویی، محمدباقر، الوقایع الحوادث ۵ جلدی، دارالعلم، اول، ۱۳(ص) ۸ق.

